



# سرگذشت آزادی بیان

محمدعلی داعی نژاد

مقاله‌ی آزادی بیان منتشره در ماهنامه‌ی آفتاب شماره ۲۴ از آقای سروش که به مناسبت مسئله‌ی آماجری به موضوع آزادی بیان پرداخته‌اند، هر چند نکات مثبتی در آن نهفته است ولی از جهاتی در کلام ایشان کاستی‌هایی وجود دارد که پاره‌ای از آنها به شرح ذیل است.

## ۱- معنا و حکم آزادی بیان

آقای سروش در معنا و حکم آزادی بیان در ابتدای سخنان‌شان می‌گویند: «به فرض که این شخص توهینی به پیامبر یا به پیشوایان دینی کرده باشد (که البته نکرده است)، آیا به خاطر این توهین مستحق مجازات اعدام می‌شود؟ آیا باید جان خود و سر خود را ببازد، چرا که سخنی ناسزاگونه نسبت به پیشوایان دینی بر زبان آورده است؟ اگر کسی سخنی در انکار و نقد دین، سخنی برخلاف درک کنونی و قرائت رسمی از دین در جامعه ما بگوید مستحق چنین مجازات‌های سنگینی می‌شود؟ کسانی که مخالف اینگونه مجازات‌ها هستند، امروزه نوعاً از موضع حقوق بشر و حق آزادی بیان سخن می‌گویند یعنی معتقدند که آدمی از آن جهت که آدمی است به صرف انسان بودن و نه به هیچ دلیل دیگری واجد یک رشته حقوق است که یکی از آنها حق سخن گفتن، حق عقیده داشتن، حق اظهار نظر و نقد کردن است.»<sup>(۱)</sup>

الف. در اینجا، توهین و ناسزا گفتن به پیشوایان دینی، جزو حقوق انسانی شمرده شده است که امروزه از حق آزادی بیان سرچشمه می‌گیرد، حال آنکه آزادی بیان برای تبادل افکار و اندیشه در جامعه است. ناسزا و توهین کردن به ایده‌ها و عقاید دیگران که در حقیقت زیر پا نهادن حقوق سایر انسان‌هاست، نمی‌تواند جزو حق آزادی بیان به شمار آید. بنابراین آزادی بیان به معنای نقد افکار و عقاید است نه به معنای توهین و استهزاء ایده‌ها و عقاید دیگران.

ب. این سخن آقای سروش با کلام پایانی ایشان نیز در تعارض است که گفته‌اند: «افترا زدن یک عمل است نه یک بیان، اهانت کردن یک عمل است، نه یک بیان، ناسزا گفتن، لعن کردن و... بیان نیستند، لذا وقتی می‌گوییم آزادی بیان باید راحت بفهمیم که شامل آزادی ناسزا گفتن نمی‌شود.»<sup>(۲)</sup> و تناقض در کلمات ایشان از آن رو است که در ابتدای کلام، تحمل ناسزا گفتن را از دستاوردهای کسانی

می‌شمارند که از موضع آزادی بیان سخن می‌گویند و در آخر کلامشان، ناسزا را عمل به شمار می‌آورند نه بیان تا مشمول حق آزادی بیان شود.

ج. برخلاف تصور ایشان، نقد دین و انکار درک کنونی مایه‌ی استحقاق مجازاتی نمی‌شود، بلکه استهزاء و ناسزا به عقاید و ایده‌های دیگران پیامدهای جزایی دارد و در اسلام مخالفان فکری و عقیدتی و ناقلان نه تنها از حق مخالفت محروم نیستند، بلکه از احترام و منزلتی خاص برخوردارند. حضرت علی(ع) پیوسته به کارگزارانش می‌فرمود: «از چاپلوسان پرهیزید و آنان را بر کاری نگمارید و افراد جسور و منتقد را برگزینید تا سخن تلخ اما حق را بیشتر بگویند.»<sup>(۳)</sup> پیوسته به مردم می‌فرمود: «و لا تکفوا عن مقاله بحق» از سخن حق دریغ نکنید.<sup>(۴)</sup> و قرآن نیز کسانی را که در برابر خطاها و اشتباهات ساکتند مذمت می‌کند و از دانایان می‌خواهد که حقایق را آشکار کنند و مردم را از حقایق آگاه کنند<sup>(۵)</sup> و مردم را دعوت می‌کند تا با شنیدن سخنان و ارزیابی و بررسی، آنچه را نیک است انتخاب کنند.<sup>(۶)</sup> در نتیجه، هر چند ناسزا و توهین به عقاید و ایده‌های دیگران در اسلام مذموم شمرده شده است، اما از نقد و مخالفت با اندیشه‌ها و عقاید و عملکردهای ناصواب دیگران ستایش به عمل آمده است.

د. آقای سروش از مجازات اعدام برای شخصی که به عقاید دیگران توهین کند شگفت زده شده‌اند و حال آنکه برخلاف جوامع لیبرال که دین و عقاید انسان‌ها ارزشی ندارد در اسلام از آن رو که دین برنامه سعادت بخش انسان‌ها و از جهتی عقیده به منزله‌ی حیثیت و آبروی اشخاص و مهمترین هویت و شخصیت آنها به شمار می‌رود، تجاوز به این حیثیت به منزله‌ی تجاوز به ناموس افراد به شمار می‌رود و مستلزم برخورد شدید است. چنانکه در برخی کشورهای غربی مانند آمریکا توهین و ناسزا را به صهیونیست و حتی اظهار مخالفت با صهیونیست عواقب سهمگینی دارد، چنانکه آقای سروش نیز در نوشتارشان گفته‌اند که چنین کسی: «خود را با خطر جدی روبرو کرده است.»<sup>(۷)</sup> در پایان باید گفت که این سخن آقای سروش «اندیشه‌ی آزادی بیان معنایش این بود که آدمی حق دارد خطا بکند و حق دارد رأی و سخن خطای خود را بدون واهمه‌ی مجازات و افتادن در تنگنا یا دیدن عقوبت

و محروم شدن از حقوق اجتماعی و سیاسی بیان کند.» سخنی درست است، بلکه در اسلام چنانکه گذشت کسانی که به نقادی و مخالفت به آنچه ناصواب می‌پندارند، بپردازند از منزلت و احترام بیشتری برخوردارند، ولی این همه به معنای اجازه‌ی توهین و ناسزاگویی و یا مجازات نکردن تجاوزگران به عقاید دیگران نیست.

ه. ممیزی و پیگرد قانونی؛ آقای سروش با اشاره به مسئله‌ی ممیزی کتاب و مورد پیگیری قانونی قرار گرفتن برخی افراد گسترده‌ی آزادی‌های موجود در جامعه را مورد نقد قرار می‌دهند.<sup>(۸)</sup> در حالی که در هر جامعه‌ای از جوامع بشری مسئله‌ی ممیزی کتاب و پیگردهای قانونی از متخلفان ضوابط اجتماعی وجود دارد و اختلاف در موارد و مصادیق نیز در برخی موارد امری طبیعی و گاه ناشی از اختلاف سلیقه‌ها است.

بدین گونه که متخلف از قانون به نظر ایشان جرمی نداشته باشد حال آنکه از دیدگاه قضایای قانونی مجرم باشد و در هر جامعه‌ای اختلاف سلیقه‌ها معیار ممیزی و پیگردهای قانونی قرار نمی‌گیرد، بلکه قوانین و مجریان قانون هستند که معیار و ملاک عمل اجتماعی هستند.

و. تز تهاجم فرهنگی؛ تز تهاجم فرهنگی از دیگر مواردی است که ایشان نشانه‌ی محدودیت آزادی در جامعه‌ی ایران برشمرده‌اند.<sup>(۹)</sup> در حالی که مخالفان فرهنگ اسلامی و نظام اسلامی امروزه به صراحت از تخریب فرهنگ و نظام اسلامی ایران سخن می‌گویند و در این جهت بودجه‌های کلانی را تصویب می‌کنند که بی‌اطلاعی ایشان از این مسائل جای بسی شگفتی دارد. اشکال دیگر سخن آقای سروش در تعریف ایشان از تهاجم فرهنگی است، زیرا تهاجم فرهنگی پروسه‌ای است که مخالفان فرهنگی طراحی و اجرا می‌کنند، خواه مجریان داخلی یا خارجی و از این رو تعریف ایشان از تهاجم فرهنگی به اینکه عده‌ای در داخل کشور هستند که دانسته یا ندانسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، ناتمام است. به هر حال مسئله‌ی تهاجم فرهنگی و امپریالیسم فرهنگی در جهان، مسئله‌ای مختص به ایران نیست، بلکه معضلی جهانی است که از سوی کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی طراحی و اجرا می‌شود. شلر در تعریف امپریالیسم فرهنگی می‌نویسد:

آقای سروش  
به اشتباه  
گمان کرده‌اند  
اندیشه‌ی آزادی  
در هیچ دینی  
وجود ندارد  
بلکه خلافت  
وجود دارد  
در ایران نیز  
پس از مشروطیت  
این اندیشه  
به تبع  
رواج در غرب  
وارد ایران شد  
و برای  
جامعه‌ی ایرانی  
مطرح شد

«امپریالیسم فرهنگی نشان دهنده‌ی نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن کشوری اساس تصویرها، ارزش‌ها، معلومات و هنجارهای رفتاری و همچنین روش زندگی خود را بر کشورهای دیگر تحمیل می‌کند.»<sup>(۱۱)</sup> وی می‌گوید، امپریالیسم فرهنگی از طریق ارتباطات پدیده‌ای اتفاقی و اضطراری نیست، بلکه برای کشورهای امپریالیستی که تلاش می‌کنند بدین وسیله تسلط اقتصادی و برتری سیاسی خود را بر ممالک دیگر برقرار و حفظ کنند، امری حیاتی است.<sup>(۱۲)</sup> بنابراین نادیده گرفتن مسئله‌ی تهاجم فرهنگی ساده‌نگری خواهد بود و نباید تلاش صهیونیسم و امپریالیست فرهنگی را در انکار آزادی‌های جامعه‌ی ایران اسلامی نادیده گرفت.

## ۲- تاریخچه و سرنوشت آزادی بیان

ایشان گفته‌اند: «در تفکر دینی کلاسیک، مسئله هیچ‌گاه به این روشنی نبوده... در هیچ دینی، قصه‌ی آزادی بیان به آن شکل و به آن صورت و به آن معنا که امروز گفته و خواسته و ترویج می‌شود وجود نداشته است، نه تنها وجود نداشته، بلکه با آن مخالفت‌های صریح هم می‌شده است.»<sup>(۱۳)</sup> و نیز گفته‌اند: «آنچه در مشروطه رخ داد و اندیشه‌ای که وارد ایران شد، اندیشه‌ی آزادی بیان، همراه با بقیه‌ی اندیشه‌های جدید بود که پس از انقلاب فرانسه در

اروپا رونق یافته بود و به ایران نیز راه یافت.»<sup>(۱۴)</sup>

آقای سروش به اشتباه گمان کرده‌اند اندیشه‌ی آزادی در هیچ دینی وجود ندارد، بلکه خلافش وجود دارد؛ در ایران نیز پس از مشروطیت این اندیشه به تبع رواج در غرب وارد ایران شد و برای جامعه‌ی ایرانی مطرح شد؛ همان‌طور که گذشت در قرآن و روایات و نیز در سیره‌ی پیشوایان دینی نه تنها از آزادی بیان جلوگیری نشده است، بلکه به بیان و نقادی تشویق شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: من به فضل و ارزش شخص مطیع و نیز به حق شخص ناصح آگاهم.<sup>(۱۵)</sup> ایشان پیوسته از مردم می‌خواهد برای رشد و یاری حکومت، راهنمایی و نصیحت‌های خود را آشکار و پنهان به وی ارائه دهند.<sup>(۱۶)</sup> و این سیره‌ی آزادمندی و احترام به آزادی‌های انسان و از جمله آزادی بیان، پیوسته از سوی علمای اسلام مطرح بوده است. چنانکه بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در کتابشان به صراحت فرموده‌اند: «در اسلام آزادی به طور مطلق است، مگر آنچه به حال ملت و کشور ضرر داشته باشد و موجب مفسده‌ای باشد.»<sup>(۱۷)</sup> ایشان همچنین فرموده‌اند: در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود و لکن هیچ فرد و یا گروه وابسته به قدرت‌های خارجی را اجازه‌ی خیانت نمی‌دهیم.<sup>(۱۸)</sup> بنابراین اگر علمای اسلام از آزادی بیان

مذمتی به میان آورده‌اند، مقصودشان مذمت آزادی خیانت و توطئه علیه منافع ملت است که گاهی در لباس آزادی (بیان) ظاهر می‌شود، و نه به معنای مخالفت با نقد و بررسی اندیشه‌ها و عقاید دینی. ▲

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سروش، عبدالکریم، مجله‌ی آفتاب، شماره ۲۴، صفحه ۶۳.
- ۲- ر.ک: همان، صفحه ۶۹.
- ۳- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۱۶.
- ۴- همان.
- ۵- بقره، ۱۵۱.
- ۶- زمر، ۱۸.
- ۷- آفتاب شماره‌ی ۲۴، صفحه ۶۶.
- ۸- آفتاب شماره‌ی ۲۴، صفحه ۶۵، فروردین ۸۲.
- ۹- همان.
- ۱۰- شلر، هربرت، وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا، ترجمه‌ی احمد میرعابدینی، چاپ اول، تهران، سروش، ۱۳۷۷، صفحه ۴۰.
- ۱۱- ر.ک: همان، صفحه ۴۰.
- ۱۲- آفتاب شماره‌ی ۲۴، صفحه ۶۳.
- ۱۳- ر.ک: همان، صفحه ۶۴.
- ۱۴- نهج البلاغه، نامه‌ی ۲۹.
- ۱۵- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۳۴.
- ۱۶- صحیفه‌ی نور، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۹۹.
- ۱۷- صحیفه‌ی نور، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۷۸.

## فرم اشتراک ماهنامه آفتاب

نام و نام خانوادگی: ..... سن: .....  
 شرکت یا مؤسسه: .....  
 تاریخ شروع اشتراک: ..... از شماره: .....  
 آدرس و تلفن مشترک: .....

| حق اشتراک | سه ماهه     | شش ماهه     | سالانه      |
|-----------|-------------|-------------|-------------|
| ایران     | ۱۸,۰۰۰ ریال | ۳۳,۰۰۰ ریال | ۶۴,۰۰۰ ریال |

| حق اشتراک                 | نوع اشتراک                                         | سه ماهه | شش ماهه | سالانه  |
|---------------------------|----------------------------------------------------|---------|---------|---------|
| آمریکا، کانادا و خاور دور | اشخاص، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، دانشجویان و اساتید | ۱۵ دلار | ۲۶ دلار | ۵۰ دلار |
|                           | شرکت یا مؤسسه                                      | ۲۲ دلار | ۳۸ دلار | ۷۴ دلار |
| اروپا و خاورمیانه         | اشخاص، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، دانشجویان و اساتید | ۱۲ دلار | ۲۲ دلار | ۴۰ دلار |
|                           | شرکت یا مؤسسه                                      | ۱۸ دلار | ۳۴ دلار | ۶۵ دلار |

نام، نام خانوادگی و تلفن نماینده مشترک مقیم خارج: .....

مقتضای می‌توانند مبلغ حق اشتراک خود، برای مدت مورد درخواست را به حساب شماره ۱۷۵۴ بانک صادرات شعبه برج سپهر (قابل پرداخت در کلیه شعب سراسر کشور) به نام عیسی سحرخیز واریز و اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک به نشانی: تهران صندوق پستی شماره ۱۳۱-۱۴۳۹۵ ارسال کنند.

تلفن اشتراک: ۸۳۰۷۱۶۹

دانشجویان، طلاب و اساتید دانشگاه و حوزه با ارائه کپی مدارک لازم می‌توانند از ۲۰ درصد تخفیف برخوردار شوند. مدیران مسئول، سردبیران و روزنامه‌نگاران با ارائه کپی مدارک لازم می‌توانند از ۳۵ درصد تخفیف برخوردار شوند.

اگر علمای اسلام از آزادی بیان مذمتی به میان آورده‌اند مقصودشان مذمت آزادی خیانت و توطئه علیه منافع ملت است که گاهی در لباس آزادی (بیان) ظاهر می‌شود و نه به معنای مخالفت با نقد و بررسی اندیشه‌ها و عقاید دینی